

## Sociological Analysis of Social Status Discrimination of Women's Sports

Mohammad Javad Rahbari Baris<sup>1</sup>, Hassan Ghasem Alipour<sup>2\*</sup>, Bahram Ghadimi<sup>3</sup>, Tayebe Zargar<sup>4</sup>

<sup>1, 2, 4</sup> Department of Sport Management, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

<sup>3</sup> Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 2024/02/29

Accepted: 2024/04/21

Original Research

### Abstract

**Objective:** This research aimed to analyze the sociological discrimination of the social status of women's sports.

**Methodology:** The present research method was qualitative and exploratory. The research strategy in this study was the Glazer Method Foundation data analysis. The statistical population included specialists and experts such as professors in the field of sociology, sports sociology, women's sports officials in the Ministry of Sports and Youth. The sampling method was used as non-probability sampling, with targeted selection and maximum diversity or heterogeneity. The sample size in this research was equal to 16 people based on the theoretical saturation index. The experts confirmed the validity of the obtained results, and also the reliability between the coders for the interviews conducted in this study was equal to 80%. The measurement tool was an open interview and was analyzed based on three stages open, central, and selective coding.

**Results:** by analyzing the text of the interviews and after conceptualization in the open coding stage, 60 primary concepts (first level); 13 secondary themes (level 2), and four main themes of unequal gender opportunities, gender justice infrastructures, unfamiliar gender norms, and social barriers based on gender (third level) were identified.

**Conclusion:** In the path of reducing inequality, more emphasis is placed on the important responsibility of policymakers and the government in providing gender equality and freedom for women, which includes creating equality in posts and positions based on merit and not gender, supporting the federation for women athletes in Providing equal facilities and equipment, equal rewards and salaries for women's sports, all of which are important for the presence of women in order to promote the country's sports.

**Keywords:** Gender discrimination, Social status, Women's sports.

## تحلیل جامعه‌شناختی تبعیض منزلت اجتماعی ورزش بانوان

محمد جواد رهبری بريس<sup>۱</sup>، حسن قاسمعلی پور<sup>۲\*</sup>، بهرام قدیمی<sup>۳</sup>، طیبه زرگر<sup>۴</sup>

<sup>۱،۲،۳</sup> گروه مدیریت ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

### چکیده

هدف از این پژوهش تحلیل جامعه‌شناختی تبعیض منزلت اجتماعی ورزش بانوان بود.

**روش‌شناسی:** روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع اکتشافی بود. راهبرد تحقیق در این مطالعه تحلیل داده‌بنیاد روش گلیزر بود. جامعه آماری شامل متخصصان و خبرگان مانند استادان حوزه جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی ورزشی، مسئولان ورزش زنان در وزارت ورزش و جوانان بودند. از روش نمونه‌گیری به صورت غیر احتمالی، با انتخاب هدفمند و با حداکثر تنوع یا ناهمگونی استفاده شد. اندازه نمونه در این پژوهش بر مبنای شاخص اشباع نظری برابر با ۱۶ نفر بود. روایی نتایج به دست آمده مورد تأیید خبرگان قرار گرفت و همچنین پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام‌گرفته در این پژوهش معادل ۸۰ درصد بود. ابزار اندازه‌گیری مصاحبه باز بود و بر مبنای سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد.

**یافته‌ها:** با تحلیل متن مصاحبه‌ها و پس از مفهوم‌پردازی در مرحله کدبندی باز، ۶۰ مفهوم اولیه (سطح اول) و ۱۳ مضامین فرعی (سطح دوم) و ۴ مضامین اصلی فرصت‌های نابرابر جنسیتی، زیرساخت‌های عدالت جنسیتی، هنجارهای نامعارف جنسیتی و موانع اجتماعی مبتنی بر جنسیت (سطح سوم) شناسایی شد.

**نتیجه‌گیری:** در مسیر کاهش نابرابری، بیشتر بر مسئولیت مهم سیاست‌گذاران و دولت در فراهم کردن برابری جنسیتی و آزادی برای زنان تأکید است که شامل ایجاد برابری در پست‌ها و سمت‌ها بر اساس شایستگی‌ها و نه جنسیت، حمایت فدراسیون از زنان ورزشکار در فراهم کردن امکانات و تجهیزات برابر، برابری پاداش‌ها و حقوق برای ورزش بانوان است که همه برای حضور بانوان در راستای ارتقای ورزش کشور مهم است.

**واژگان کلیدی:** تبعیض جنسیتی، منزلت اجتماعی، ورزش زنان.

## مقدمه

منزلت اجتماعی زن‌ایرانی در گستره تاریخ و طی دوره‌های مختلف، تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دستخوش تغییر بوده است. از عصر باستان تا امروز زنان همواره دارای جایگاه‌های متفاوتی بوده‌اند. جایگاه منزلتی زنان نه تنها به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه بلکه به عنوان نیروی مولد و محرک جوامع بشری دارای اهمیّت است؛ به‌ویژه در حوزه ورزش که باور بر آن است که جایگاه زنان هم به لحاظ فردی و رشد اجتماعی آنان دارای اهمیّت است و هم به دلیل نقش پرورش‌دهندگی آنها واجد اهمیّت مضاعف می‌شود. زنان در رشد و تحکیم خانواده نقش بسیار مؤثری دارند که این نقش بر رشد و توسعه جامعه نیز اثرگذار است (Fahimi, 2023)؛ از این رو می‌توان گفت زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع و محور اصلی خانواده، نقش بسیار تأثیرگذاری در تمامی ابعاد جامعه‌ایفا می‌نمایند. اسلام نیز نگاه ویژه‌ای به زنان دارد؛ به طوری که با محفوظ داشتن جایگاه خاص زنان در خانواده که مورد تأکید فراوان است، فعالیت آنها را در تمامی عرصه‌های اجتماعی با حفظ شئون اسلامی‌پویا و فعال می‌داند (Dehghan et al, 2019). در بسیاری از جوامع بانوان با مشکلات و نابرابری‌هایی مانند دسترسی نداشتن به امکانات آموزشی، نداشتن فرصت‌های شغلی نابرابر و فقر و درآمد نابرابر با مردان (McKay, 2011). تنش‌های بیشتر، ایفای نقش‌های متعدد خانوادگی و تضاد در این نقش‌ها مواجهند که تربیت بدنی و ورزش را نیز می‌توان به آن اضافه کرد (Acosta et al., 2018)؛ بنابراین ورزش به عنوان «عرصه جنسیتی» تقریباً یک حقیقت محض است. تعداد زیادی از زنان در ورزش مورد تبعیض قرار گرفته‌اند (Kohli, 2017).

واضح است که در صورتی که زنان در خانواده منزلتشان را از دست بدهند و تحت فشارهای روحی و عصبی قرار گیرند نمی‌توانند زمی‌نه لازم را برای رشد و پرورش صحیح و همه‌جانبه نسل بعدی فراهم سازند (Clayman, 2023)؛ اجرای الگوی اقتدار مردسالارانه و منزلت انحصاری نه تنها جامعه را از توانمندی‌های زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه محروم می‌سازد بلکه موجبات ضعف و ناکارآمدی فرزندان را که تحت تربیت مادران امروز بوده‌اند فراهم می‌کند. بدون بهره‌گیری از توانایی‌های زنان و ملاحظه ایشان در مناسبات اقتدار و منزلت در جامعه و خانواده، دستیابی به توسعه همگانی در حوزه ورزش امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین اگر ساختار منزلتی در جامعه فعلی همچون اشکال سنتی گذشته و سلسله‌مراتبی باشد، به نظر می‌رسد این شیوه خانواده و جامعه را با چالش مواجه خواهد کرد و عواقب آن به اشکال ناخوشایندی خود را بروز می‌دهد (Kim et al., 2023). مطالعات تجربی نشان داده است که تفاوت‌های جنسیتی در سطح یا درجه موانع موجود در راه انجام فعالیت‌های ورزشی مؤثر است و زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه با موانع بیشتری در انجام این فعالیت‌ها روبه‌رویند. «اینکه زنان چه فعالیت‌های ورزشی را برای اوقات فراغت انتخاب می‌کنند، به بررسی تمام عواملی نیاز دارد که به صورت مثبت (انگیزش) یا منفی (موانع) بر انتخاب آنان تأثیر می‌گذارد» (Asefi et al., 2017; 24). فریزر<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه خود به مفهوم «مشارکت برابری» که به عنوان معیار عدالت جنسیتی کمک می‌کند، پرداخت. او ادعا کرد که عدالت جنسیتی، از شرایط دموکراسی است که با برابری فرهنگی (شناخت) و برابری مادی (توزیع مجدد) تعریف شده است. بی‌عدالتی جنسیتی، هنگامی نتیجه می‌گیرد که زنان با بی‌ارزش بودن فرهنگی و به حاشیه رانده شدن در اقتصاد، برابری مشارکتی را رد می‌کنند؛ بنابراین فریزر استدلال می‌کند که زنان باید از لحاظ فرهنگی و اقتصادی مد نظر قرار گیرند. همانطور که فریزر (۲۰۰۸) در مطالعه اخیر توضیح داده است، عدالت جنسیتی و دموکراسی، نیازمند تمهیدات اجتماعی است که به همه اعضا امکان می‌دهد تا در تعامل اجتماعی با یکدیگر شرکت کنند.

<sup>۱</sup> Fraser

«معمولاً در بخش ورزش بانوان، به‌ایدئولوژی مردانه اشاره می‌شود که در کنار موانع ساختاری، ورزش بانوان را با دشواری‌های جدی مواجه می‌سازد. منظور از موانع ساختاری، وجود قوانین و قواعد رسمی و مصوبی است که مانع رشد ورزش بانوان می‌شود. علاوه بر قوانین رسمی، عوامل گسترده‌تر فرهنگی اجتماعی نیز می‌توانند مانعی در این راستا باشند» (Tausli et al., 2014; 17). مرور تاریخی بیشتر جوامع، بیان‌کننده نقش حاشیه‌ای زنان در ورزش است که احتمالاً بخشی از آن متأثر از ایدئولوژی جنسیتی حاکم بر تصمیم‌گیرندگان ورزش زنان است؛ برای مثال در یونان قدیم و المپیک باستانی، حضور فعال زنان در ورزش‌های رسمی ممنوعیت داشت. در المپیک مدرن نیز دوکوبرتن در دوره حیات خود، مخالف سرسخت حضور بانوان در رقابت‌های رسمی المپیک بود. هنوز هم کشورهای هستند که مخالف حضور ورزشکاران زن در مسابقات رسمی مانند المپیکند. در کشورهای اسلامی نیز به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی، دینی و سیاسی، ورزش بانوان، متفاوت با سایر کشورهاست» (Panahi and Sedaghat Zadegan Esfahani, 2013).

نگاهی به آنچه در دهه‌های گذشته و حتی پیش از انقلاب جریان داشته است، نشان می‌دهد که ورزش بانوان هیچگاه یک حرکت زنده و واقعی در جامعه ایرانی نبوده است (Tausli et al., 2014). آنچه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به عنوان ورزش بانوان وجود داشته است، نوعی ورزش گلخانه‌ای بوده است که بیشتر به کار تبلیغات حکومتی می‌خورده است؛ نگاه ابزاری به زنان ورزشکاری که تنها در شرایط ویژه و امکانات محدود قادر به فعالیت بوده‌اند و مهمترین کارایی آنها رنگین کردن جلد نشریات و هیجان انگیز کردن رسانه‌ها بوده است. جای تردیدی وجود ندارد که اگر از لایه‌های بالایی جامعه، از قشر مرفه‌تر و تحصیلکرده‌تر بگذریم و به بطن مردم برسیم، کمتر اثری از ورزش به چشم می‌خورد (Aghaei and Fattahian, 2013). ورزشی که به ساعت‌های این درس در مدارس محدود شده و ورزشکاران تنها در طبقات مرفه و مناطق خاص به امکانات ورزشی قابل استفاده برای زنان دسترسی داشته‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل اهمیت مسائل شرعی، ورزش بانوان و محیط‌های ورزشی زنان از مردان جدا شد و ورزش زنان، مریگری و سرپرستی آن به خود آنها واگذار شد و سبب بحران ناشی از کم تجربه بودن زنان در مدیریت گردید. گفتنی است که نداشتن سوابق مدیریتی و کمبود امکانات و تسهیلات و از همه مهمتر نیروی انسانی متخصص به عنوان مربی، از موانع ارتقای ورزش بانوان است (El Hiary, 2011)؛ علاوه بر این، شفاف نبودن وظایف و مشخص نبودن جایگاه ورزش بانوان در میان ادارات ورزش و جوانان و نیز بها ندادن به مکان‌های ورزشی ویژه بانوان و حمایت نکردن حامیان مالی، باعث کندی جریان پیشرفت در ورزش بانوان شده است و همانطور که مشاهده می‌شود، علمای تعلیم و تربیت هنوز به ورزش همچون منبعی برای ایفای نقش‌های مردانه می‌نگرند؛ بنابراین، تصویر ذهنی فرساینده‌ای که از ورزش رقابتی موجود است، به هیچ وجه با الگوی اجتماعی ترسیم شده برای زنان سازش و هماهنگی ندارد (Porgenchi et al., 2016).

در بسیاری از جوامع، زنان نسبت به مردان از فرصت‌های آموزشی، ورزشی و غیره کمتری برخوردارند و دسترسی آنان به سایر عوامل اثرگذار بر سلامتی، محدود است. این نابرابری جنسیتی، زنان را در موقعیت‌های پایین‌تر قرار داده و آنان را از لحاظ اقتصادی وابسته به مردان نگاه می‌دارد. نابرابری جنسیتی و محرومیت زنان، سلامت جامعه را به عنوان یک کل تحت تأثیر قرار می‌دهد (Gabbani et al., 2019). در فرایند توسعه، نقش زنان را به عنوان نیمی از نیروی کار فعال در ورزش نمی‌توان نادیده گرفت. مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی، می‌تواند تأثیر مهمی بر فرایند توسعه و اتخاذ سیاست‌های مربوط داشته باشد. با توجه به اینکه زنان شرکت‌کنندگان فعالی در فرایند توسعه‌اند، رسیدن به توسعه ورزشی بدون شناسایی دقیق مشارکت زنان و نیازهای آنان ممکن نیست. علاوه بر این،

عدم دسترسی زنان به فعالیت‌های ورزشی، دستمزد کم در مقایسه با مردان، دسترسی نداشتن به امکانات و خدمات و کمبود فضای بهداشتی در محیط موجب شده است در کشور مشکل ناراحتی‌های ناشی از بیماری‌های مختلف گریبانگیر درصد زیادی از زنان شود (Nazari et al., 2019).

تبعیض، نمودی آشکاری از بی‌عدالتی است که آثار تخریبی بسیاری بر روحیه کاری افراد (خواه ورزشکاران، خواه کارکنان سازمان) در سطوح مختلف دارد (Nazari et al., 2019)؛ به عبارت دیگر، تبعیض، شکلی از رفتار نابرابر با افراد و گروه‌های متفاوت در زمینه‌های مختلف است و می‌تواند به روش‌های مختلف اعمال شود و طبیعتاً درک و تشخیص آن نیز به همین نسبت متفاوت است (Gabbani et al., 2019). درک تبعیض، ارتباط مستقیمی با برداشت‌های فردی و مرزهای درونی و احساسی افراد دارد. در محیط‌های پر از تبعیض، اثری از جو فرهنگی مثبت، روحیه کاری خوب و مناسبات صحیح بین افراد نیست (Bucklesley et al., 2010). براساس نظریه تبادل اجتماعی، افرادی که درک می‌کنند که ارزشمند و مورد احترامند، آن را با اعتماد و دل‌بستگی عاطفی در رابطه تبادل جبران می‌کنند. وقتی تیم ورزشی به ورزشکاران خود اهمیت می‌دهد و به آنها توجه و با عمل کردن به قراردادهای یا تأمین تبادلات قرارداد، از آنها حمایت می‌کند، ورزشکاران نیز آن را با احساسات عاطفی قوی‌تری نسبت به تیم جبران می‌کنند. از سوی دیگر، وقتی ورزشکاران درک می‌کنند که کارفرمای آنها به تأمین نیازهایشان علاقه کمی نشان می‌دهد و با اعتماد و وفاداری کمتر و مخالفت با تیم به نمایش می‌گذارند؛ این مطلب به خوبی در تحقیق نوروزی سید حسینی (۱۳۹۱) نشان داده شده است. وی در تحقیق خود به این نتیجه رسید که هرچه حمایت در ادارات تربیت بدنی بیشتر باشد و مدیران با کارکنان خود رفتاری انسان‌دوستانه و به دور از تبعیض داشته باشند، کارکنان در سازمان به جبران این حمایت پرداخته‌سعی می‌کنند که کارکنان کارآمدی برای ادارات تربیت بدنی باشند. کارن بیان می‌دارد که به مربی و رهبر باید به عنوان نقشی مکمل و حمایت‌کننده نگریسته شود نه به گونه شخصی مقتدر و حاکم (Gabbani et al., 2019). علاوه بر رفتار رهبری مربیان، نحوه تعاملات آنها و گرایش به سمت نگاه تبعیض‌وار می‌تواند عملکرد تیمی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد (Smith et al., 2018). در واقع هرچه مربیان با ورزشکاران خود رفتار دموکراتیک‌تری داشته باشند و بر مبنای انصاف و عدالت برخورد کنند، می‌توانند احتمال دهند که ورزشکاران عدالت بیشتری را ادراک کرده، متعهدانه عمل کنند و رضایت بیشتری داشته باشند.

از دیدگاه‌ها رگزیوز<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) اگرچه آمار و ارقام مربوط به مشارکت، بهبود در کیفیت زندگی قشر عظیمی از زنان را نشان می‌دهد؛ این مسأله نباید باعث گمراهی شود؛ زیرا برخی از زنان، مستقلند و مشارکت در ورزش برای آنها آزادانه‌تر است و برای برخی دیگر محدودیت‌هایی را در بردارد؛ بنابراین تعمیم افزایش مشارکت برای زنان به عنوان یک گروه همگن، موجب تأکید گمراه‌کننده بر اجماع بین آنها و چشم‌پوشی از تبعیض اجتماعی و نابرابری در بین زنان می‌شود. این آمار و ارقام، موجب پنهان نمودن ماهیت تاریخی نیازهای زنان، ویژگی‌های متنوع و متناقض ورزش برای زنان و اعمال قدرت، نه تنها بین مردان و زنان، بلکه بین گروه‌های مختلف زنان می‌گردد.

بر طبق آمارهای رسمی ارائه شده توسط وزارت ورزش و جوانان و سازمان پزشکی ورزشی، مشارکت ورزشی زنان در ایران به طور عام، همواره کمتر از مردان بوده است و با اینکه در سال‌های اخیر، شاهد افزایش مشارکت ورزشی زنان و رشد بیشتر ورزش زنان نسبت به مردان بوده‌ایم؛ همچنان مشارکت ورزشی آنها نسبت به مردان در سطح پایین‌تری قرار دارد؛ همچنین به دلیل وجود برخی باورها و سنت‌های فرهنگی و به تبع آن، هنجارها و قالب‌های جنسیتی، مشارکت ورزشی زنان در استان‌های مختلف کشور یکسان نیست؛ چنانکه زنان در برخی از استان‌ها تحت

<sup>۱</sup> Hanashiro

تأثیر این هنجارهای جنسیتی، امکان مشارکت فعال در عرصه ورزش را ندارند؛ در حالی که در بسیاری از استان‌ها، همین هنجارهای جنسیتی، مشوق آنها در فعالیت‌های ورزشی بوده است (علی‌وند و همکاران، ۱۳۹۶). با این تفاسیر، هدف اصلی تحقیق حاضر این است که تحلیل جامعه‌شناختی تبعیض منزلت اجتماعی ورزش بانوان را شناسایی کند.

### روش پژوهش

روش انجام این پژوهش کیفی است. راهبرد تحقیق در این مطالعه تحلیل داده‌بنیاد روش گلیر بود. جامعه آماری شامل متخصصان و خبرگان مانند استادان حوزه جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی ورزشی، مسئولان ورزش زنان در وزارت ورزش و جوانان بودند. رشته تحصیلی و داشتن تألیفات علمی مرتبط با برند، دارا بودن سمت‌های مدیریتی و تجارب اجرایی در عرصه ورزش زنان، از جمله شاخص‌های انتخاب لیست اولیه صاحب‌نظران بود. روش نمونه‌گیری غیر احتمالی<sup>۱</sup>، با انتخاب هدفمند و با حداکثر تنوع یا ناهمگونی بود. نمونه‌گیری تا رسیدن به کفایت نظری ادامه داشت به نحوی که در مصاحبه ۱۵ کفایت نظری حاصل شد و برای اطمینان بیشتر یک مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت. وقتی کفایت نظری حاصل شد هیچ نوع داده‌های اضافی نمی‌توان یافت که پژوهشگر با آن بتواند خواص یا ویژگی‌ها (مقوله‌ها) را تدوین کند. به موازاتی که داده‌های مشابه را جمع‌آوری می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به کفایت رسیده است (Danai Fard, Alwani, Azar, 2018)؛ از این رو، تعداد مشارکت‌کنندگان در مصاحبه ۱۶ نفر بود. برای گردآوری اطلاعات ابتدا ادبیات و پیشینه تحقیق با استفاده از کتب، مجلات، پایان‌نامه‌های مربوط، آیین‌نامه و اسناد مرتبط و سایت‌های اینترنتی بررسی شد. پس از تهیه راهنمای مصاحبه به نمونه آماری مراجعه شد و داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های باز جمع‌آوری شد. طول مدت مصاحبه‌ها ۹۰-۳۰ دقیقه بود و مصاحبه‌ها توسط دستگاه ضبط دیجیتالی ثبت شد. قبل از مصاحبه با افراد برای حداکثر مشارکت متخصصان و استادان، نامه‌ای همراه با جزئیات اساسی اهداف مطالعه و سؤال‌های مرتبط با آن از راه E-mail به مشارکت‌کنندگان ارسال شد و از آن‌ها برای ملاقات حضوری درخواست شد. برای تحلیل مصاحبه‌ها از رویکرد ویرایشی<sup>۲</sup>؛ تئوری مبتنی بر داده<sup>۳</sup> گلاسر و استراوس که یکی از رویکردهای تحلیل داده‌ها در مصاحبه‌هاست استفاده شد (Danai Fard, Alwani, Azar, 2018).

نخستین گام در ساخت نظریه زمینه‌ای انجام کدبندی باز است. کدگذاری باز شامل تعداد کدهای اولیه است که شناسایی شده است و با توجه به مفاهیم آن‌ها دسته‌بندی می‌شود (Kreuger, Newman, 2006). مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده از مرحله کدگذاری باز، در الگوی کدگذاری<sup>۴</sup> جای می‌گیرد، الگوی کدگذاری روابط بین مقوله‌هایی که شناسایی شد را ترسیم می‌کند (Danai Fard, Alwani, Azar, 2018). در نهایت مرحله سوم یا کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد که مدل نهایی پژوهش شکل گرفته و ارائه می‌شود.

گفتنی است برای نو بودن تحقیق و محدودیت احتمالی داده‌ها، از رویکرد مثلث‌سازی<sup>۵</sup> استفاده شد. مثلث‌سازی به فرایند استفاده از رویکردها و منابع گوناگون در جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق اطلاق می‌شود (Skinner, Edwards, Corbett, 2014). با توجه به استفاده از شیوه مثلث‌سازی (استفاده از منابع چندگانه شامل منابع کتابخانه‌ای، گروه کانونی با کارشناسان و مصاحبه با متخصصان) در این تحقیق از موارد متنوع برای جمع‌آوری

<sup>1</sup> Non probability

<sup>2</sup> Editing approach

<sup>3</sup> Grounded Theory

<sup>4</sup> Coding paradigm

<sup>5</sup> Triangulation

اطلاعات استفاده شد. علاوه بر این برای سنجش روایی از معیارهای اسکینر، ادواردز و کوربت (۲۰۱۴) که در جدول شماره ۱ به آن اشاره شده استفاده شد.

جدول ۱- روش‌های اطمینان از روایی

روش‌ها	نحوه اجرا در این پژوهش
درگیری طولانی مدت	افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت‌کنندگان برای ارزیابی برداشت‌های محقق
مشاهده پایدار	مشارکت عملی محقق و حضور در محیط مشارکت و اکتشاف جزئیات تجارب مشارکت‌کنندگان
بازرسی مجدد مسیر کسب اطلاعات	انجام بازرسی ادواری اطلاعات و کدهای به‌دست‌آمده برای پیشگیری از سوگیری و اطمینان از صحت، توسط محقق و یک همکار (دانشجوی دکتری) آشنا به موضوع مورد پژوهش
چک کردن مثلث‌سازی	بررسی اطلاعات به‌دست‌آمده به کمک گروه تحقیق و نظرسنجی از مصاحبه‌شوندگان در مورد نتایج استفاده از منابع متعدد برای جمع‌آوری داده‌ها
مقایسه مستمر	مقایسه داده‌های به‌دست‌آمده از منابع مورد بررسی با سایر منابع به صورت مستمر در طول تحقیق

برای محاسبه پایایی با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یک متخصص مدیریت ورزشی که در مراحل انجام پژوهش حضور داشته و از آگاهی مناسبی در مورد این پژوهش برخوردار بود، درخواست شد تا به‌عنوان همکار در کدگذاری تحقیق شرکت کند. آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم در کدگذاری به همکار تحقیق انتقال داده شد. سپس محققان به همراه همکار برای نمونه دو مورد از مصاحبه‌ها را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی محاسبه شد که با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق درون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، تعداد کل کدهای که به ثبت رسیده است معادل ۴۳ کد، تعداد کل توافقات بین کدها معادل ۱۷ است. همچنین، پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش معادل ۷۹ درصد است؛ بنابراین با توجه به اینکه پایایی بیش از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید بوده می‌توان گفت پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است.

جدول ۲- محاسبه پایایی

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	کدهای مورد توافق	کدهای عدم توافق	پایایی
۱	۴	۱۲	۵	۲	۰/۸۳
۲	۹	۱۶	۶	۳	۰/۷۵
۳	۱۲	۱۵	۶	۴	۰/۸۰
جمع		۴۳	۱۷	۹	۰/۷۹

### یافته‌ها

یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه‌های آماری پژوهش حاضر در جدول ۲ به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۳- یافته‌های توصیفی پژوهش

متغیر	گروه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۹	۵۷/۱۴
	زن	۷	۴۲/۸۶
سطح تحصیلات	دکتری	۱۳	۸۵/۷۱
	کارشناسی ارشد	۳	۱۴/۲۹

در این پژوهش از ۱۶ نمونه تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه شد. پس از مصاحبه با این افراد، تشخیص محقق و گروه تحقیق این بود که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست. در جدول شماره ۳، نحوه کدبندی سطح اول (اولیه) و سطح دوم (متمرکز) با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی منزلت اجتماعی زنان در ورزش آمده است. به موجب نتایج این جدول، با تحلیل متن مصاحبه‌ها و پس از مفهوم‌پردازی در مرحله کدبندی باز، ۶۰ مفهوم اولیه (سطح اول) و ۱۳ مضامین فرعی (سطح دوم) و ۴ مضامین اصلی (سطح سوم) شناسایی شد.

جدول ۴- کدهای اولیه و کدبندی ثانویه (متمرکز)

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مصاحبه‌شونده	مفاهیم
فرصت‌های نابرابر جنسیتی	فرصت‌های نابرابر آموزشی	P8,p12	عدم فرصت کسب تجربه در مسابقات خارجی
		P10,p14	عدم ایجاد محیط و شرایط مناسب برای زنان ورزشکار حین تحصیل
		P2	ایجاد محیطی خسته‌کننده برای ورزش دانش‌آموزان
		P13,p14	عدم حمایت برای افزایش علم و دانش مربیان زن و اعزام به خارج از کشور برای ارتقای آنها
		P1, P4	نبود مربیان باتجربه و آموزش‌دیده در ورزش زنان
		P10, P13	عدم حمایت فدراسیون برای ارتقای دآوری و فرستادن داوران زن به مسابقات خارج از کشور
	فرصت‌های نابرابر تفریحی و فراغتی	P7,P10	جلوگیری از حضور زنان در استادیوم‌ها
		P1,p16	تفاوت کمیت و کیفیت در گذراندن فرصت‌های فراغت بین ورزشکاران زن و مرد
		P1,p9	عدم امکان حضور خانوادگی در ورزشگاه‌ها
		P7,p16	محدودیت در رفت و آمد دختران
فرصت‌های نابرابر تمرین	فرصت‌های نابرابر دسترسی	P4,p6,p12	محدودیت اقامت در هتل
		P10, P16	در دسترس نبودن مکان‌های مناسب برای ورزش زنان
		P2,p9	میزان اهمیت به ورزش دختران در آموزش و پرورش
	فرصت‌های نابرابر تمرین	P2,p14	نبود محیط تمرینی مناسب با شئونات اسلامی برای زنان مسلمان در کمپ
		P2,p14,p15	کمبود حریف‌های تمرینی برای زنان
		P7,p15	عدم امکان انتخاب تمرین با آقایان
		P4,p9,p14	محدودیت‌های تمرینی در طول مسابقات
		P6,p8,p13	محدودیت‌های زمانی در کمپ تمرین
		P9	اختصاص زمانهای بسیار نامناسب برای تمرین زنان
		P14,p15	توجه بیشتر به تمرینات آقایان در مقایسه با خانم‌ها
P3,p7,p13	اولویت قائل نشدن برای زمان تمرینی زنان		



تفاوت در پادشاهی قهرمانی	P1, P4	فرصت‌های مالی	زیرساخت‌های عدالت جنسیتی
تفاوت در قراردادهای مالی	P10, P13		
نبود حقوقها در زمان بودن در کمپ‌های تیم ملی برای زنان	P10		
نبود بودجه برای بانوان برای اعزام به مسابقات لیگ	P1, P14		
عدم حمایت مالی هیأت‌ها از ورزش زنان	P1, P16	فرصت نابالندگی	
تعصب بیجای خانواده‌ها و حذف شدن از ورزش	P8, P12		
استفاده از آقایان برای جلسات تیم ملی و عدم استفاده از زنان	P4, P12, P16		
تفاوت در اعزام در مورد تعداد بازیکن‌ها	P2, P8, P16		
تفاوت در اعزام تیم‌های زنان	P4, P7, P16	نابرابری مزایا	
وجود تسهیلات بیشتر برای قهرمان‌های مرد نسبت به زن	P7, P16		
ارائه امکانات رفاهی به آقایان در مقابل زنان	P2, P15	نابرابری امکانات	
نبود امکانات ورزشی مختص زنان	P1, P6, P13		
دشواری برای پیدا کردن اسپانسر برای ورزش زنان	P11, P14		
تغذیه نامناسب با ارزش غذایی کم	P10, P16		
بی توجهی به وضعیت بدنی زنان در طول ماه	P12	محدودیت‌های پوششی	
حساسیت به پوشش زنان ورزشکار حتی در شرایط و هوای گرم	P9, P13		
پوشش‌های غیر متعارف و اضافه بر حدود مسابقات	P1, P4		
ایجاد تشنج‌های روانی برای زنان حین مسابقه برای خارج نشدن از محدوده پوشش	P10, P1		
افزایش فشارهای روانی به دلیل محدودیت‌ها	P12, P16	نامنی روانی	
وجود نابرابری جهانی	P1, P14		
ویژه بودن نابرابری جنسیتی در ورزش کشور	P1, P16		
ندادن برخی زمینهای تمرینی به دلیل ترس از حاشیه‌ها	P8, P12		
زیر ذره بین بودن زنان ورزشکار در ورزش امروز	P2, P7, P13	برخورد نامناسب رسانه	
رسانه‌ای نبودن ورزش زنان	P2, P7, P11		
اختصاص فضای محدود رسان‌های به اخبار ورزشی زنان	P1, P7, P10		
برخورد گزینشی با اعضا برای مصاحبه‌ها و پخش مصاحبه‌ها	P2, P4, P14		
وجود یا احتمال آزارهای جنسی	P1, P8	نامنی اجتماعی	
عدم امنیت روانی برای ورزشکاران زن	P2, P11		
وجود تهدیدهای لفظی به مشارکت ورزش زنان	P9, P13		
نگاه‌های آزاردهنده پسران در تمرین	P10		
وجود حاشیه‌های زیاد در طول ورزش	P1, P9, P16	موانع اجتماعی مبتنی بر جنسیت	
عدم حمایت از قهرمانان ورزش زنان	P7, P12		
عدم حمایت هیأت‌ها از ورزش زنان	P16		
عدم برخورداری از حقوق شهروندی مانند دیدن مسابقات فوتبال و دوچرخه سواری در سطح شهر	P4, P14		
عدم حمایت هیأت‌ها به ورزش همگانی بانوان	P1, P12, P15		
دشواری در دسترسی به زمین‌ها و سالن‌های ورزشی دانشگاهی	P4, P9, P13		
نگاه تبعیض‌آمیز جامعه به ورزش زنان نسبت به مردان	P7, P16		
عدم حمایت رؤسا و مسئولان ورزش بانوان در فدراسیون‌ها	P5, P13		
نادیده گرفته شدن تلاش زنان در ورزش	P7, P14, P15		

## بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش، چهار مقوله اصلی در تحلیل جامعه‌شناختی محدودیت‌های جنسیتی ساختاری ورزش زنان وجود دارد که در ادامه به بحث و تفسیر این مقوله‌ها پرداخته می‌شود. فرصت‌های نابرابر جنسیتی بر اساس یافته‌های به دست آمده، مفهوم اصلی فرصت‌های نابرابر، یکی از ویژگی‌های تجربه شخصی ورزشکاران زن ایرانی بود. در واقع ورزشکاران معتقدند که دولت منابع و امکانات بیشتری در اختیار مردان قرار داده است که سبب استمرار نابرابری و بی‌عدالتی است. برای تحقق برابری میان زنان و مردان، دو رویکرد کلی در برنامه‌ریزی توسعه‌ای ورزش زنان مطرح است: (۱) رویکرد بی‌طرفی جنسیتی که در آن برنامه‌ها فاقد نگاه جنسیتی‌اند که در چنین برنامه‌هایی تفاوتی میان زن و مرد در مشارکت و برخورداری از منافع برنامه توسعه وجود ندارد (۲) رویکرد حساسیت جنسیتی که در آن برنامه‌های توسعه با دیدگاه جنسیتی و برابرگرایانه متناسب با شرایط کشورها تنظیم شده و حتی گاه با هدف کاهش تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی، برنامه توسعه‌ای خاص جمعیت زنان تدوین می‌شود (Alipour et al., 2016). توجه به اینکه هرچه مردان موقعیت‌ها را در سطوح بالا و کلان جامعه در اختیار خود داشته باشند کنترل قدرت اقتصادی و سیاسی از بالا به پایین به دست مردان می‌افتد و در نهایت توزیع فرصت‌ها به نفع آنان خواهد بود؛ زیرا این نقش‌ها به منزله ویژگی‌های برتر مردان بر زنان تلقی می‌شوند و به طور ناموزونی منابع و فرصت‌ها بین زنان و مردان تقسیم می‌گردد (Eriksen, 2021). هر چند گفتمان‌های بین‌المللی با فراخواندن زنان به عنوان سوژه‌هایی برابر با مردان گفتمان‌های رایج درون کشور را به چالش می‌کشند (Mohammadi et al., 2019). همچنین تحولات سه دهه اخیر در بسیاری از جوامع نشان می‌دهد که زنان سمت‌های زیادی را در شرکت‌ها ادارات سازمان‌ها و سایر مراکز دولتی و خصوصی به دست آورده‌اند و همچنان خواستار کسب فرصت‌های برابر با مردان در عرصه‌های اجتماعی‌اند. این در حالی است که تحقیقات نشان می‌دهد توزیع عادلانه‌تر موقعیت‌ها و منابع میان زنان و مردان، باعث رشد پیشرفت و بهره‌وری ورزش بانوان و همچنین قرار گرفتن در پست‌های مدیریتی در عرصه ورزش است که در نهایت باعث ارتقای جایگاه زنان ورزشکار با توانایی‌های آنها می‌شود.

نتایج نشان داد مفاهیم فرعی از مفهوم فرصت‌های نابرابر جنسیتی شامل فرصت‌های نابرابر، آموزشی فرصت‌های نابرابر تفریحی و فراغتی فرصت‌های نابرابر دسترسی فرصت‌های نابرابر تمرین فرصت‌های نابرابر، مالی فرصت نابرابر بالندگی و فرصت‌های نابرابر استخدامی‌اند که با نتایج تحقیقات فورسی و همکاران (۲۰۱۹) جنتیل و همکاران (۲۰۱۸)، بخارایی (۲۰۱۶) همخوانی دارد. یکی از موارد فرصت‌های نابرابر آموزشی در این پژوهش می‌توان به فرصت‌هایی مانند کسب تجربه مسابقات خارجی اشاره کرد؛ اگر زنان نیز مانند مردان در مسابقات خارجی حضور داشته باشند به مراتب، انگیزه بیشتری برای تلاش و پیشرفت دارند. یکی دیگر از فرصت‌های نابرابر آموزشی عدم ایجاد محیط و شرایط مناسب برای زنان ورزشکار در حین تحصیل است زیرا اگر دارای شرایط مناسب تحصیلی باشند و همراستایی تحصیل و ورزش برای آنان مانعی ایجاد نکند، عملکرد اجرایی و مهارتی در راستای پیشرفت و حرفه‌ای شدن در کنار علمی شدن ورزش خود خواهند داشت؛ همچنین محیط خسته‌کننده برای ورزش دانش‌آموزان، از عوامل بازدارنده ورزش بانوان است. ورزش دانش‌آموزی زمانی می‌تواند برای دختران، هدایت را به وجود آورد که با انگیزه‌های کافی و کم کردن سختی‌های محیطی همراه باشد. در ادامه باید گفت اگر حمایت‌های کافی برای افزایش علم و دانش مربیان زن و اعزام آنان به خارج از کشور برای ارتقا صورت پذیرد و مربیان باتجربه و آموزش‌دیده در ورزش زنان پرورش داده شوند، ورزش بانوان نیز می‌تواند رشد و پیشرفت قابل مشاهده‌ای را داشته باشد زیرا داشتن زیرساخت، از مهمترین عوامل توسعه است. متأسفانه عدم حمایت فدراسیون‌ها برای ارتقای داوری و ارسال داوران زن

به مسابقات خارج از کشور، یکی از معضلات ورزشی بانوان است که باید بازبینی شود. هرچند امروزه اعزام برخی داوران زن به مسابقات که از طرف فدراسین جهانی برای برخی مسابقات مشخص می‌شوند با محدودیت‌هایی صورت می‌گیرد، برابری آموزش از تجربه‌های ورزشکاران است که می‌تواند بسیار اثرگذار باشد؛ برای نمونه می‌توان گزارش نتایج پژوهش براک (۲۰۱۰) را بیان کرد که در ایالات متحده، اعتبار بسیاری برای تغییر قانون فدرال در مورد فرصت برابر در آموزش داده می‌شود. یکی دیگر از یافته‌ها مبحث فرصت‌های نابرابر فراغت است که به میزان جلوگیری از حضور زنان همان‌طور که می‌دانید و بر همه عیان است، حضور پرشور تماشاگران در استادیوم‌ها می‌تواند سطح کیفی مسابقات را افزایش دهد و شور و نشاط اجتماعی را به وجود آورد؛ بنابراین زنان نیز در صورت برخورداری از حق حضور در ورزشگاه‌ها می‌توانند در ترویج فرهنگ تماشاگری مفید باشند. سال‌هاست که جلوگیری از حضور زنان در استادیوم‌ها باعث سرخوردگی بانوان ورزشکار و ورزش دوستان شده است و برداشتن این مانع می‌تواند جامعه‌ای پویا را به وجود آورد. یافته‌های پژوهش نشان داد که در مورد فرصت‌های نابرابر دسترسی نیز نگاه جنسیتی وجود دارد و زنان ایرانی با کم‌لطفی مسئولان مواجهند. محدودیت در رفت و آمد دختران، محدودیت اقامت در هتل، نبود محیط تمرینی مناسب زنان مسلمان در کمپ از دسته مواردی است که ورزش بانوان را تحت تأثیر قرار داده و بانوان ورزشکار ایرانی را دچار مشکل کرده است. در دسترس نبودن مکان‌های مناسب برای ورزش زنان، باعث شده میل به ورزش کمتر شود و فعالیت زنان ایرانی کاهش یابد. البته نه تنها این موضوع بلکه اهمیت به ورزش دختران در آموزش و پرورش در درجه کمتری نسبت به پسران قرار دارد و این موضوع نیز چالش بزرگی برای توسعه ورزش بانوان است. فرصت‌های نابرابر تمرین، یکی دیگر از مهمترین چالش‌های بانوان در ورزش است. کمبود حریف‌های تمرینی برای بانوان محدودیت‌های تمرینی در طول مسابقات محدودیت‌های زمانی در کمپ، تمرین توجه به تمرینات آقایان نسبت به خانم‌ها، نبود اولویت به زمان تمرینی بانوان، همگی باعث ایجاد چالش در مورد فرصت‌های تمرینی بانوان شده است (Taylor et al., 2017). متأسفانه دادن زمان‌های بسیار نامناسب و مرده به تمرین زنان و کاهش میزان حق آزادی برای انتخاب تمرین با آقایان، باعث شده که بانوان ورزشکار دچار رکود تمرینی شوند و از تمرینات خوب و با کیفیت برخوردار نباشند. علاوه بر این موارد، فرصت‌های نابرابر مالی نیز از چالش‌های زنان ورزشکار است.

تفاوت‌های جنسیتی در قرن بیستم با جنبش گسترده برابری جنسیتی معرفی و این موضوع منجر به فرصت‌های بهتر و موقعیت‌های مناسب برای انسان‌ها شده است؛ اما در کشورهای در حال توسعه، برابری معنایی است که تا تحقق آن بسیار فاصله وجود دارد و به طور ویژه در حوزه ورزش زنان با محدودیت‌هایی مواجهند. این در حالی است که این محرومیت‌ها در ایران، به دلایل شرایط ویژه خود به‌خصوص شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر کشور بیشتر مشخصند؛ با این حال عدالت حکم می‌کند که فارغ از جنسیت، کلیه فرصت‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، شرایط و امکاناتی که مردان در ورزش از آنها بهره‌مندند، برای زنان نیز فراهم آید. هرچند در پیش‌بینی و برنامه‌ریزی، برنامه‌های توسعه و تقویت ورزش بانوان مورد توجه قرار گرفته بود که تحقق ۵۹ درصدی را نشان می‌دهد؛ اما تا تحقق کامل این برنامه، مسیری طولانی در راه است. تیلور و ولز (۲۰۱۷) نیز بیان داشتند عدالت جزو لاینفک توسعه هر کشوری است و چون یکی از مسیرهای توسعه، ورزش است، در ورزش نیز باید به این موضوع توجه کرد. گاهی تفاوت‌های جنسیتی آنقدر زیاد است که حتی در اختصاص تسهیلات و امکانات ورزشی نیز زنان از بهره کمتری برخوردارند. در جامعه ایرانی، تسهیلات بیشتری برای قهرمان‌های مرد نسبت به زن وجود دارد و ارائه امکانات رفاهی به آقایان در مقابل زنان بیشتر است؛ این موضوع نه تنها مبحث عدالت را زیر سؤال می‌برد؛ بلکه توسعه ورزش بانوان را نیز مختل کرده است. نبود امکانات کافی ورزشی مختص زنان، پیدا نشدن راحت حامی مالی برای ورزش زنان، بی توجهی به وضعیت بدنی زنان

در طول ماه، از این موارد است که اندیشیدن به راه حل رفع این موارد ضروری است.

شاید بخش زیادی از تفاوت‌های جنسیتی در ورزش به حاکمیت برگردد؛ از جمله چالش‌های این بخش، محدودیت‌های پوششی است؛ حساسیت بسیار به پوشش زنان ورزشکار، حتی در شرایط و هوای گرم، پوشش‌های غیرمتعارف و اضافه و ایجاد تشنجهای روانی برای زنان حین مسابقه در خارج نشدن از محدوده پوشش، سبب کاهش عملکرد ورزشی بانوان شده است. با نگاهی به تجربه‌های زیسته نمونه‌های مورد مصاحبه و تحلیل آنها می‌توان گفت با توجه به مسائل اعتقادی بیشتر بانوان قهرمان، حجاب مانعی برای انجام ورزش، خصوصاً در سطوح حرفه‌ای نیست؛ زیرا بانوان ورزشکار خود را موظف به رعایت این قوانین که از اعتقاد شخصی آنان نشأت گرفته، می‌دانند. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های مؤتمنی و همکاران (۱۳۹۶) هم‌راستا است؛ اما در کنار این تعهد ایجاد تنش‌های روانی می‌تواند نمونه‌ای از آزارهایی باشد که می‌توان با حمایت فدراسیون‌ها و خصوصاً جامعه در شرایط مسابقات از بار این تنش کم کرد. همچنین با توجه به رشد جامعه از نظر پذیرش ورزش بانوان و افتخارآفرینی در میدان‌های بین المللی، باعث فراهم شدن بستری مناسب برای رشد قهرمانی بانوان شوند؛ ضمن اینکه رشد فرهنگ ورزش بانوان در جامعه، مسأله‌ای مهم برای حضور بانوان در رشته‌های ورزشی دانسته شده است. نتایج این بخش از پژوهش، همسو با نتایج پژوهش‌های طالب پور و همکاران (۱۳۹۹) و علیپور و همکاران (۱۳۹۶) است. این رشد از نظر فرهنگی شاید بر دیدگاه جامعه برای ساخت فضایی از نظر روانی ایمن، برای دیده شدن ورزشکاران زن در سطح جامعه باشد؛ پس باید این محدودیت‌ها تسهیل شوند تا بانوان نیز بتوانند با حفظ حجاب و پوشش مناسب و سبک در مسابقات، حضور بهینه و موفقیت‌آمیزی داشته باشند. مشکلات مربوط به امنیت روانی نیز در ورزش بانوان وجود دارد؛ افزایش فشارهای روانی به دلیل محدودیت‌ها، وجود نابرابری جهانی، ویژه بودن نابرابری جنسیتی در ورزش کشور و اختصاص ندادن برخی زمینه‌های تمرینی به دلیل ترس از حاشیه‌ها باعث شده است بانوان ورزشکار با محدودیت‌های بسیاری مواجه شوند. این محدودیت‌ها در رسانه هم به چشم می‌خورد؛ رسانه‌ها با زیر ذره‌بین قرار دادن زنان ورزشکار در ورزش، امروز عرصه را بر بانوان فعال این سرزمین تنگ کرده‌اند و به جای اینکه به مشکلات ورزش بانوان بپردازند و مسابقات را پوشش دهند، موانع بیشتری ایجاد کرده‌اند از جمله این موانع می‌توان به اختصاص دادن زمان بسیار محدود رسانه به اخبار ورزشی زنان و گزینشی انتخاب کردن اعضا برای مصاحبه‌ها و پخش مصاحبه‌ها اشاره کرد. تنها عاملی از عوامل جامعه‌پذیری که در این پژوهش هم مورد تأیید قرار گرفت و با نابرابری جنسیتی در ارتباط بود، برخورد نامناسب رسانه‌هاست. بازتاب همین تبعیض‌های جنسیتی در رسانه‌ها قابل مشاهده است. عدم پوشش رسانه‌ای ورزش بانوان و بازتاب فعالیت‌های ورزشی آنها از مواردی است که نمی‌توان در ایجاد و تقویت این نابرابری نادیده گرفت؛ در واقع، همانگونه که بورديو هم در نظریه رسانه‌ای خود مطرح می‌کند زنان ورزشکار با سانسور رسانه‌ای مواجهند و ما با بدترین شکل سانسور در تلویزیون مواجهیم.

در حوزه مفهوم اصلی موانع اجتماعی مبتنی بر جنسیت نیز باید گفت، به طور کلی فقدان روابط اجتماعی عادلانه در جامعه و افزایش نابرابری‌های اجتماعی، مهمترین عامل عدم تحقق متعادل خواسته‌ها و نیازهای انسان و یا گروه‌هایی از افراد جامعه است. نبود روابط اجتماعی عادلانه، به فقدان امکانات مساوی بین زنان و مردان برای رفع نیازهای زیستی روانی و اجتماعی‌شان منجر می‌شود و تا زمانی که زنان به عنوان یک شهروند از حقوق شهروندی آگاه نباشند، این مهم اتفاق نمی‌افتد. در هر جامعه مشکلاتی وجود دارد که برخاسته از فرهنگ آن جامعه است؛ مشکلات فرهنگی اجتماعی بانوان ورزشکار نیز در این بین شامل کلیشه‌های جنسیتی مانند تمسخر توسط ورزشکاران مرد، توهین‌های جامعه به ورزش زنان و استفاده از الفاظ تحقیر آمیز برای ورزش زنان است؛ این مشکلات، تابع فرهنگ

جامعه است و تا زمانی که فرهنگ عمومی بهبود نیابد، حل نمی‌شود. زنان ورزشکار، امنیت اجتماعی کافی ندارند و احتمال آزارهای جنسی برای آنها وجود دارد؛ از این رو عدم امنیت روانی برای ورزشکاران زن وجود دارد و با تهدیدهای لفظی روبه‌رویند. نگاه‌های آزاردهنده پسران در تمرین و وجود حواشی زیاد در طول ورزش، باعث شده امنیت روانی آنها مورد حمله قرار گیرد. از سویی پشتیبانی ناعادلانه اجتماعی از زنان ورزشکار می‌تواند باعث سرخوردگی آنها بشود. مسائل اجتماعی مانند نداشتن حقوق شهروندی آزاد مانند دیدن مسابقات فوتبال، نداشتن حقوق شهروندی آزاد چون دوچرخه سواری ایمن در سطح شهر باعث شده که نگاه بانوان ورزشکار به ورزش با ناملایماتی همراه باشد. شاید بتوان پیشنهاد کرد با توجه به نظر دین اسلام که خلقت زن و مرد از یک نفس است و بین زنان و مردان هیچ برتری در خلقت نیست؛ جدا از دیدگاه‌های فمینیستی که ادیان را به دلیل نگاه مردمحور نقد می‌کند؛ دین و مذهب باید بازخوانی شود به نحوی که جایگاه زنان به مرتبه اصلی خود بازگردد و تفاسیر مردانه در آن راه نیابد. زارعیان و برزگر، (۱۳۹۸)، در مسیر کاهش نابرابری بر مسئولیت مهم سیاست‌گذاران و دولت در فراهم کردن برابری جنسیتی و آزادی برای زنان، تأکید بیشتری می‌کنند شامل ایجاد برابری در پست‌ها و سمت‌ها بر اساس شایستگی‌ها و نه جنسیت، حمایت هیأت و فدراسیون از زنان ورزشکار در فراهم کردن امکانات و تجهیزات برابر، برابری پاداش‌ها و حقوق برابر برای ورزش بانوان که همه، انگیزه حضور بانوان در راستای ارتقای ورزش کشور است و در نهایت با حضور در رقابت‌های بین‌المللی مسلمان می‌توانند از این بستر برای ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی بیشترین بهره را برده و به عنوان سفیران ایدئولوژی اسلامی علاوه بر افتخارآفرینی در عرصه‌های ورزشی، چهره‌ای زیبا از اسلام به نمایش بگذارند؛ به‌علاوه منطبق با نتایج تحقیق علی پور و همکاران (۱۳۹۶) مطرح ساختن جدی بحث جنسیت و توسعه در برنامه‌های ملی که مستلزم تغییراتی مناسب در ساختار تدوین برنامه توسعه کشور است تا با تغییر دیدگاه جامعه به زنان و ساختار شکنی‌های سنتی خصوصاً در بخش کلیشه‌های جنسی غالب در جامعه در مورد زنان در بازسازی اجتماعی و بازتولید جایگاه و نقش زنان خصوصاً در ورزش بر طبق الزامات جامعه امروز و جهان بازاندیشی شود.

## منابع

- Acosta, R., Carpenter, V., & Linda, J. (2018). The status of women in intercollegiate athletics. In S. Birrel, & C. Cole (Eds.), *Women, Sport, and Culture. USA: Human Kinetic*, 22(3), 18- 409.
- Alahyaree, F. (2011). Attitudes of staff municipal sports Tehran about the glass ceiling and lack of women's socialization. *Research in Sports Sciences*, 22(3), 147-53. (Persian)
- Alipoor, P., ZahediMazandarani, M. J., Maleki, A., & JavadiYegane, M. R. (2017). Representation of discursive conflicts of gender equity in development plans of I.R. Iran. *Refah journal*, 17(66), 107-148. (Persian)
- Asefi, A. A., & GhanbarPoorNosrati, A. (2018). The effective factors model in institutionalization of sport for all in Iran. *Journal of the Royal Society of Medicine*, 8(16):29-46. (Persian)
- Boxill, J., Glanvill, D., & Murray, T. (2010). What sport means in America: A study of sports role in society. *U.S. Anti-Doping Agency*.
- Brake, D.L. (2010). *Getting in the Game*, New York University Press.
- Bukharai, A., & Yazdakhasi, B. (2014). Comparative study: Cultural barriers to the realization of gender justice (Case study: Married women in Tehran in 2018 and 2019). *Journal of Social Studies and Research in Iran*, 59, 3-83. (Persian)
- Clayman, R. (2023). *Fighting for a Level Playing Field: The Reality of Elite Women's Sports in Today's Modern Era*.
- Danaei Fard, H., Elwani, S. M., & Azar, A. (2018). *Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach*. Tehran: Ishraghi Publications, Safar. (Persian)
- dehghan, S. A., Zare, G., & Ahmadi Nasab, M. (2020). Modeling the factors affecting gender discrimination in sports management of the country viewpoint of staff Sport and Youth organizations of Yazd province. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 11(43), 129-148. (Persian)
- Eriksen, I. M. (2021). Teens' dreams of becoming professional athletes: The gender gap in youths' sports

- ambitions. *Sport in Society*, 1-15.
- Forsyth, J., Jones, J., Duval, L., & Bambridge, A. (2019). Opportunities and barriers that females face for study and employment in sport. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 24, 80-95.
- Fraser, N. (2007). Feminist politics in the age of recognition: A two-dimensional approach to gender justice. *Studies in Social Justice*, 1(1), 23-35.
- Gabnai, Z., Müller, A., Bács, Z., & Bácsné, B. É. (2019). The economic burden of physical inactivity at national level. *Health Development Journal*, 60(1), 20-30.
- Gentile, A., Boca, S., & Giammusso, I. (2018). You play like a woman! Effects of gender stereotype threat on Women's performance in physical and sport activities: A meta-analysis. *Psychology of Sport and Exercise*, 39, 95-103.
- Hanashiro, V., & Ceria-Ulep, C. D. (2011). Native Hawaiians and physical activity. *Issues in Mental Health Nursing*, 32(10), 664-666.
- Kohil, D. (2017). Gender discrimination in sports: Depleting respect of women players in India. *International Journal of Science and Research*, 2319-7064.
- Kreuger, L., & Neuman, W. L. (2006). *Social Work Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches: With Research Navigator*. Pearson/Allyn and Bacon.
- Mckay, J. (2011). Glass ciling for Australian woman in manufacturing. *Published by Oxford University, Clinical Psychology Review*, 31(5), 767-85.
- Mohammadi, G., Rahmati, M. M., & Nikouei, A. (2020). Discourse analysis of Iranian women fans of Football. *Cultural Studies & Communication*, 16(59), 75-105. (Persian)
- Motameni, A., Hemati, A., & Moradi, H. (2014). Identifying and prioritizing the barriers for women's sports activities. *Sport Management Studies*, 6(24), 111-130. (Persian)
- Nazari Azad, M., Talibpour, A., & Kashani, M. (2019). Perception of sports gender inequality of female champion athletes. *Sociological Studies*, 13(49), 181-205. (Persian)
- Norozi, A., Maleki, A., Parsamehr, M., & Ghasemi, H. (2018). An investigation into the relationship between sexual norms and women's sport participation (A case study of women in Ilam province). *A Scientific Journal of Ilam Culture*, 18(56.57), 7-31. (Persian)
- Panahi, M. H., & Sedaghat Zadegan Esfahani, S. (2012). Power resources and ideological interpretation of women's sports rules. *Woman in Development & Politics*, 10(1), 5-22. (Persian)
- Poorgachi, S., Heidarinejad, S., Shetab Booshehri, S. N., & Khatibi, A. (2017). The barriers to promote female athletes in Khuzestan Premier League. *Sport Management Studies*, 9(42), 137-162. (Persian)
- Skinner, J., Edwards, A., & Corbett, B. (2014). *Research Methods for Sport Management*. Routledge.
- Smit, A., Molinero, O., Alfonso Salguero del, V., Lucidi, F., & Márquez, S. (2018). Identification of gender discrimination in sports: Training of agents of change. *Revista de Psicología del Deporte, Barcelona*, 27(3).
- Talebpour, A., Nazari Azad, M., & Kashani, M. (2018). Sociological analysis of gender inequality in sports (from the perspective of female national champion athletes). *Women and Society Quarterly*, 10(40), 289-316. (Persian)
- Tasli, L. (2014). Investigating the gender difference of male and female professional athletes in the country. *Quarterly Magazine of New Approaches in Sports Management*, 3(87). (Persian).
- Taylor, E.A., & Wells, J.E. (2017). Institutionalized barriers and supports of female athletic directors: A multilevel perspective. *Journal of Intercollegiate Sport*, 10(2), 157-83.